

قرآن و وظایف مسلمانان در شرایط جنگی

حجت‌الاسلام والمسلمین عیسی عیسی‌زاده*

اشاره

بر اساس فرموده رسول خدا ﷺ یکی از وظایف امت اسلام هنگام بروز فتنه‌ها، روی آوردی و تمسک به قرآن است که فرمود: «هر گاه فتنه‌ها همچون پاره‌های شب تار، شما را فرو پوشاند، به قرآن روی آورید؛ زیرا قرآن، میانجی‌ای است که میانجیگری‌اش پذیرفته است و شکایت‌کننده‌ای است که ادعایش تأیید می‌شود».^۱ بر اساس این کلام نورانی آن حضرت و ویژگی بسیار مهم هدایتگری قرآن که در سراسر قرآن خداوند به آن اشاره نموده است^۲ در این شرایط حساس که کشور عزیز ایران این ام القرای جهان اسلام از سوی خبیث‌ترین دشمنان اسلام یعنی صهیونیسم و حامیان این رژیم غاصب و ستمگر مورد حمله قرار گرفته است و امت عزیز ایران دچار فتنه جنگ و کشتار و ترور شده است و عده‌ای همچون ساکنان همجوار با مراکز نظامی مجبور هستند خانه و کاشانه خود را رها کنند، ضرورت دارد در چنین شرایطی از راهگشایی و هدایتگری قرآن بهره برد. در این نوشتار کوتاه تلاش شده است از محضر قرآن کریم وظیفه مسلمانان را در چنین شرایط حساس در تعامل با هم و وطنان ستمدیده بررسی نماییم و از راهنمایی‌های قرآن بهره ببریم.

پاسخ قرآن

خدای سبحان در سوره انفال می‌فرماید: «... إِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ...»^۳ اگر

* عضو هیئت علمی پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۹۹.

۲. «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره: ۲) «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ...» (اسراء: ۹)؛ «قُلْ إِنَّمَا أُنْذِرُكُم بِمَا يَوْحَىٰ إِلَيَّ مِنْ رَبِّي هَذَا بَصَائِرُ مِمَّن رَّبُّكُمْ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (اعراف: ۲۰۳).

۳. انفال: ۷۲.

گروهی (مؤمنان مهاجر) به خاطر حفظ دین و آئینشان از شما یاری طلب کنند، بر شما لازم است که به یاری آنان بشتابید.»

در قرآن، به کمک و یاری "انصار" به "مجاهدین" در آیات مختلفی اشاره شده است. به ویژه در سوره انفال، آیه ۷۴، «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا...» و آنها که ایمان آوردند و هجرت نمودند و جهاد در راه خدا کردند، و آنها که پناه دادند و یاری کردند، آنان مؤمنان حقیقی اند....» به صراحت از ایمان آورندگان، مهاجرین و کسانی که هجرت کردند و جهاد نمودند و نیز کسانی که پناه دادند و یاری کردند، به عنوان مؤمنان حقیقی یاد شده است. این آیه به طور خاص به انصار اشاره دارد که به مجاهدین (مهاجران از مکه به مدینه) پناه دادند و از آنها حمایت کردند.

به طور خلاصه، آیات قرآن به این موضوع اشاره دارند که انصار با فراهم کردن مسکن، غذا، و سایر امکانات، به مجاهدین در مدینه کمک کردند و این عمل آنها به عنوان یک عمل ایمانی و نیکوکاری مورد تأکید قرار گرفته است.

در آیه دیگر نیز خداوند در باره ارزش انفاق و احسان به دیگران فرمود است «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ»^۱؛ به مقام نیکی و ابرار نخواهید رسید مگر آنه از آنچه دوست دارید انفاق کنید.»

ارزش یاری نمودن و همدردی کردن با هم وطنان در سخن و سیره اهل بیت علیهم السلام

رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره فرمودند: «مَثَلُ بَرَادَرَانِ اِيْمَانِي وَ هِم وَ طَنَانٍ دَر پيوند و همدردی [و اهمیت دادن به سرنوشت یکدیگر] مانند یک پیکر زنده است که اگر بخشی از آن به درد آید، دیگر بخش های پیکر با آن همدردی می کنند»^۲ امام صادق علیه السلام نیز در این باره فرمودند: «مؤمن برادر مؤمن است، همچون یک پیکر که هرگاه عضوی از آن به درد آید دیگر اندامها آن درد را حس می کنند؛ ارواح آنها از یک روح است»^۳

پس هرگاه همکیشی بلکه هرگاه یک انسانی دچار درد و محنتی شود، بر همه افراد جامعه لازم است شریک غم او شوند و به کمک او بشتابند.

۱. آل عمران: ۹۲.

۲. احمد بن حنبل، مسند، ج ۴، ص ۲۷۰.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۱۶.

شاعر شیرازی نیز در این باره این چنین سروده است:

بنی آدم اعضای یکدیگرند
که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی غمی
نشاید که نامت نهند آدمی^۱

رسول خدا ﷺ در فرمایشی دیگر در این رابطه فرمود: «سرآمد کارها، سه چیز است: ... یاری نسبت به برادر [دینی]...»^۲ و در سخنی دیگر نیز فرمود: «مؤمن را بر مؤمن، هفت حق است که از جانب خداوند عزّ و جلّ بر او واجب گشته اند: ...، در مال خود با برادران دینی و همکیش خود مواسات داشته باشد...»^۳

در روایت آمده است مردی دیرتر به نزد پیامبر خدا ﷺ آمد. پیامبر ﷺ فرمود: «چرا دیر کردی؟». گفت: برهنگی باعث شد، ای پیامبر خدا! فرمود: «آیا همسایه ای نداشتی که دو جامه داشته باشد و یکی را به تو عاریه دهد؟». گفت: چرا، ای پیامبر خدا! فرمود: «او برادر تو نیست.»^۴ و در سخنی دیگر فرمود: «بهترین برادر تو کسی است که در راه اطاعت خدا یاریت رساند و از نافرمانیهای او بازت دارد و به خشنودی او فرمانت دهد.»^۵

امام علی علیه السلام در ارزش یاری نمودن برادران دینی و وهم وطن فرمود: «یاری برادر دینی و هم وطن، برترین کارهاست»^۶ و در سخنی دیگر نیز فرمود: «برترین مردانگی، مواسات با برادران دینی و همکیش در اموال، و برابری با آنان در احوال است.»^۷

راوی گوید که امام باقر علیه السلام بمن فرمود: «أی ابا اسمعیل آیا دیده ای که پیش ما اگر مرد بی ردا می بود، بعضی از برادران ردای اضافی خویش را بدو می داد تا بی ردا نماند؟ گفتم چنین کسی ندیده ام فرمود: «اگر آن مرد بی ازاری (لباس) می بود می شد که یکی از برادران ازار زیادی

۱. مصلح بن عبد الله سعدی، کلیات سعدی، باب اول در سیرت پادشاهان.

۲. محمد بن علی بن بابویه، خصال، ص ۱۲۵.

۳. محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۹۸.

۴. محمد بن علی بن بابویه، مصادقة الاخوان، ج ۱، ص ۱۳۶.

۵. حسین بن محمد ابن ابی فراس، تنبیه الخواطر، ج ۲، ص ۱۲۳.

۶. علی بن محمد لثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۷.

۷. علی بن محمد لثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۱۲۵.

خویش را به او دهد؟ تا اِزاری بدست آرد؟ گفتم نه، پس دست بران خویش زده فرمود اینان برادر نیستند.»^۱

یاری نمودن هم وطن در سیره امام صادق علیه السلام

مُعَلّی بن حُئیس در باره یاری نمودن امام صادق علیه السلام نسبت به هم وطنان و مسلمانان گفته است: امام صادق علیه السلام در شبی که نَم نَم باران می آمد، به قصد صُفّه بنی ساعده خارج شد، من در پی ایشان به راه افتادم، ناگاه، چیزی از دست ایشان افتاد، گفت: «بسم الله. خدایا! به ما برگردان»، من جلو رفتم و سلام کردم. فرمود: «معلّی؟». گفتم: بله، فدایت شوم! فرمود: «با دست بگرد و آنچه یافتی، به من بده». من گشتم. دیدم مقدار زیادی نان، روی زمین، پراکنده شده است، و هر چه می یافتم، تحویل ایشان می دادم. ناگاه کیسه چرمینی پر از نان یافتم که نمی توانستم آن را بلند کنم. گفتم: فدایت شوم! آن را روی سرم حمل می کنم. فرمود: «نه. من به این کار، از تو سزاوارترم؛ اما همراهم بیا». ما به صُفّه بنی ساعده رفتیم. عده ای را دیدیم که خوابیده اند. امام علیه السلام آهسته یکی دو گرده نان کنار هر کدام گذاشت تا به نفر آخر رسید. سپس برگشتیم. گفتم: فدایت شوم! آیا اینها حق را می شناسند (شیعه هستند)؟ فرمود: «اگر می شناختند، در دادن نمک هم نسبت به آنها مواسات می کردیم»^۲ همچنین آن حضرت فرمود: «مبادا تو سیر باشی و همکیش و برادر دینیت گرسنه باشد و تو سیر آب باشی او تشنه باشد و تو پوشیده باشی و او برهنه باشد»^۳

آثار یاری نمودن به هم وطن و برادر دینی

در باره آثار یاری نمودن در حق برادران ایمانی و هم وطنان در قیامت از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمودند: «سوگند به آن که مرا به حق به پیامبری برانگیخت، در روز قیامت، بنده ای از بندگان خدا در ایستگاهی [از ایستگاه‌های قیامت] می ایستد و شعله ای آتش، بزرگ تر از همه کوه‌های دنیا، در برابرش آشکار می گردد، به طوری که میان او و آن شعله هیچ حایلی نیست. در همان حال که سرگردان است، ناگاه، گرده ای نان یا دانه ای [گندم یا جز آن] که [در دنیا] به آن نیاز داشته و به برادری مؤمن کمک کرده است، از هوا در پیرامون او فرود می آید و مانند

۱. محمد بن علی بن بابویه، مصادقة الاخوان، ج ۱، ص ۱۳۴.

۲. محمد بن علی بن بابویه، ثواب الأعمال، ص ۱۷۳.

۳. محمد بن علی بن بابویه، مصادقة الاخوان، ج ۱، ص ۱۳۴.

بزرگ‌ترین کوه‌ها می‌شود و گرداگرد او را می‌گیرد و مانع رسیدن آن شعله به او می‌شود، و از حرارت و دود آن، کمترین آسیبی به او نمی‌رسد، تا این که وارد بهشت می‌شود».^۱

امیر مؤمنان علی علیه السلام در باره آثار یاری نمودن هم وطنان در دنیا فرموده است: «هیچ چیزی مانند مواسات، پیوند برادری را حفظ نمی‌کند»^۲. و در سخنی دیگر نیز فرمود: «نظام دین، به دو چیز است... و مواسات نسبت به برادرانت»^۳ و همچنین در سفارش‌های خویش به کمیل بن زیاد فرمودند: «ای کمیل! برکت، در مال کسی است که زکات بدهد و نسبت به مؤمنان، مواسات کند و به خویشان، رسیدگی نماید»^۴.

امام صادق علیه السلام در باره اثر دعای برادر مومن که مورد مواسات قرار گرفته است فرمود: «سه دعاست که از درگاه خداوند متعال رد نمی‌شود... و دعای مرد مؤمن برای برادر مؤمنش که به خاطر ما نسبت به او مواسات کرده است، و نفرینش در حق او که می‌توانسته به وی کمک کند و نکرده، در حالی که وی به آن محتاج بوده است».^۵

رفع نیاز برادر دینی مهم‌تر از طواف واجب

ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام در اهمیت برآوردن حاجت هم کیش و برادر مومن نقل کرده که گوید: «من همراه با امام صادق علیه السلام طواف می‌کردم. مردی از شیعیان، به ما برخورد و از من درخواست کرد تا به همراه او پی حاجتی بروم. پس به من اشاره کرد و من نخواستم که امام صادق علیه السلام را رها کنم و به همراه او بروم. پس در آن میان که طواف می‌کردم، دوباره نیز به من اشاره کرد. امام صادق علیه السلام او را دید، فرمود: ای ابان! این مرد با تو کار داردی گفتم: آری، فرمود: او کیست؟ گفتم: مردی از شیعیان است، فرمود: او بر همان عقیده‌ای است که تو هستی؟ عرض کردم: آری، فرمود: پس نزد او برو گفتم: آیا طواف را قطع کنم فرمود: آری، گفتم: هر چند طواف واجب باشدی فرمود: آری»^۶ و در سخنی دیگر فرمود: «هر که یک نیاز از برادر مؤمن خود را برآورده سازد، خداوند عز و جلّ در روز رستاخیز صد هزار نیاز او را برمی‌آورد»^۷

۱. التفسیر المنسوب إلى الإمام العسكري علیه السلام، ص ۵۲۵.

۲. علی بن محمد لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۷۷.

۳. علی بن محمد لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۹۸.

۴. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۷۲.

۵. محمد بن حسن طوسی، الامالی، ص ۲۸۰.

۶. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۳۴۰.

۷. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۳۲۲.

پیامد بی توجهی با نیاز برادر دینی

امام کاظم علیه السلام در مورد پیامد بی توجهی انسان به نیاز برادر و همکیشان، فرمود: «کسی که برادرش برای رفع گرفتاری یا حاجتی به او پناه ببرد و او بتواند پناهش دهد اما ندهد، بی گمان پیوند ولایت خداوند تبارک و تعالی را بریده است.»^۱

مصادیق یاری نمودن

از مصادیق مهم یاری نمودن در این وضعیت که عده ای از هم وطنان به جهت در معرض خطر بودن جانشان مجبور به ترک منازل خویش و مهاجرت به استان های همجوار شدند، بر همه مسلمانان به ویژه شهرهایی که میزبان این مهاجران هستند لازم است تا مکان و سرپناه مناسب و هم چنین آذوقه کافی برای آنان فراهم نمایند. و بر مسئولین آن شهرها نیز لازم است تا امکانات لازم و امنیت و آرامش کافی را برای آنان فراهم نمایند.

حفظ آبرو در یاری نمودن

این نکته را باید توجه داشته باشیم که عده ای از هم وطنان ما که الان دچار مشکلات شدند از آبرو مندانی هستند که در شهر و دیار خویش دارای امکانات لازم برای زندگی بودن اما به دلیل این فتنه جنگ دچار مشکل شدند لذا اگر کمکی به آنها می شود باید در نهایت آبرومندی باشد. از همین در توصیه اهل بیت علیهم السلام در باره رفع نیاز هم وطن و برادر دینی آمده است که قبل از تقاضای نیازمند به رفع نیازش پیردازید زیرا تقاضا نمودن در واقع به نوعی سبب کم شدن آبرو می شود. امام علی علیه السلام در این باره فرمود: «هرگاه یکی از شما بداند که برادرش نیازمند است، زحمت خواهش را از دوش او بردارد [و در برآوردن آن پیشدستی کند]»^۲.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، الخصال، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، ثواب الاعمال، قم: الرضی، ۱۳۶۸ ش.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، مصادقة الإخوان، عراق: مكتبة الإمام صاحب الزمان العامة، ۱۴۰۲ ق.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۶۸.

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۱۶۶.

۴. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
۵. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم: نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۶. احمد بن حنبل، مسند احمد، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ق.
۷. التفسیر المنسوب إلى الإمام أبي محمد الحسن بن علی العسكري عليه السلام، قم: مدرسه الإمام المهدي عليه السلام، ۱۴۰۹ق.
۸. ری شهری، محمد مهدی، منتخب المیزان الحکمه، قم: مکتب الإعلام الاسلامی، مرکز النشر، ۱۳۸۰ش.
۹. سعدی شیرازی، کلیات سعدی، تهران: اقبال، ۱۳۸۲ش.
۱۰. طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی، تصحیح: مؤسسة البعثة، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۱۲. لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، تحقیق: حسین الحسنی البیرجندی، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۶ش.
۱۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۱۴. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم: مکتب الإعلام الاسلامی، مرکز النشر، ۱۳۷۵ش.
۱۵. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، تنبیه الخواطر (مجموعه ورام)، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۸ش.